

بمناسبت درگذشت رفیق مظفر صالح نیا  
شهر سنندج یکی از ستارگانش را از دست داد!

صفحه ۲

پیامها و نوشته ها در گرامیداشت  
رفیق مظفر صالح نیا

صفحه ۳

تفاوت های حکمت

صفحه ۵

سمیرا دولتشاهی

علیه جنوساید در غزه، بدون قید و شرط

صفحه ۷

هاله طاهری

اسلام سیاسی، تروریسم اسلامی، فاشیسم، تهدید  
جدی برای بشریت

صفحه ۹

سعید یگانه

معرفی مبانی کمونیسم کارگری  
به مناسبت روز حکمت

صفحه ۱۰

رحمان حسین زاده

پیام دفتر مرکزی حزب حکمتیست

به مناسبت درگذشت رفیق حمید شالچی تبریزی

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker Communist Party of Iran  
Hekmatist

۱۸ خرداد ۱۴۰۳ - ۷ ژوئن ۲۰۲۴

در گرامیداشت رفیق  
مظفر صالحی نیا  
فعال کارگری و سوسیالیست  
انقلابی شهر سنندج

خبر مرگ رفیق عزیزمان مظفر صالحی نیا از فعالین کارگری و سوسیالیستی انقلابی و یکی از شخصیت های خوشنام شهر سنندج همه ما را شوکه کرد و در اندوهی فراوان فروبرد. مظفر از زمره انقلابیونی بود که از ایام نو جوانی تمام زندگیش را صرف فعالیت برای آزادی ورهایی هم طبقه هایش از رنج و استثمار نظام سرمایه داری و مذهبی ایران کرد و در این راه رنج و مشقات، و محدودیت زیادی را تحمل کرد. مرگ او آخرین هزینه بسیار سنگین مظفر در راه آرمانش بود که همه ما، خانواده مظفر عزیز، دوستان و نزدیکان و صدها فعال کارگری و اجتماعی که از دور و نزدیک مظفر را می شناختند دادگذار کرد.

مظفر تنها یک فعال کارگری و رزمنده نبود. او در عرصه های دیگر اجتماعی از دیدگاه خدمت به مردم و تهیدستان فعالیت زیادی را سازمان داد. در رابطه با نجات جان زندانیان محکوم به اعدام کوشا و پیش قدم بود و هر بار جلو زندان و تلاش برای نجات جان آنان پیش از همه حاضر و آماده بود. او از فعالین برگزاری مراسمهای اول مه روز جهانی کارگر و ۸ مارس روز جهانی زن در شهر سنندج بود و به این دلیل مظفر چه در میان کارگران و چه فعالین

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## اعلامیه حزب حکمتیست

## بمناسبت درگذشت رفیق مظفر صالح نیا شهر سنندج یکی از ستارگانش را از دست داد!

با تأسف عمیق مطلع شدیم که صبح امروز شنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۳ در سنندج، رفیق مظفر صالح نیا بدلیل سکنه قلبی جهان ما را در سن ۵۴ سالگی ترک گفته است.

مظفر صالح نیا از چهره های سرشناس و محبوب شهر سنندج و کردستان، فردی مورد اعتماد میان شبکه های فعالین سیاسی چپ و سوسیالیست ایران، کمونیستی برجسته و مدافع آزادی و برابری و رهایی کارگران بود. امروز شهر سنندج و جنبش کارگری و کمونیستی رفیقی قابل اتکا، انسانی بشدت خوشنام و محبوب و یکی از ستارگانش را از دست داد. مظفر صالح نیا از چهره های سیاسی است که ده ها بار بازداشت و زندان و احضار شده بود. با درگذشت مظفر صالح نیا کارگران و مردمی که برای آزادی و رهایی میجنگند، یکی از همزمان قابل اتکا و یکی از یاران پیگیر خود را از دست دادند.

حزب کمونیت کارگری - حکمتیست درگذشت نابهنگام رفیق مظفر صالح نیا را به اعضای خانواده و عزیزانش، به رفیق الهام صالح نیا، به فعالین و رفقای بیشمارش در سنندج و شهرهای کردستان و به جنبش کارگری و کمونیستی ایران صمیمانه تسلیت میگوید. یاد و خاطره رفیق مظفر صالح نیا گرامی است!

حزب کمونیت کارگری ایران - حکمتیست  
۱۲ خرداد ۱۴۰۳ - ۱ ژوئن ۲۰۲۴

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیت کارگری - حکمتیست

**در مورد درگذشت  
رفیق مظفر صالح نیا  
از فعالان چپ و  
سوسیالیست  
کردستان.**

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که امروز شنبه اول ژوئن ۲۰۲۴ مظفر صالح نیا چهره شناخته شده و خوش نام و فعال عرصه های مختلف مبارزه بر علیه ظلم و زور در شهر سنندج جان خود را از دست داد. با مرگ مظفر جامعه کردستان یکی از انسان های بزرگ خوشنام و مورد اعتماد شهر سنندج را از دست داد. رفیق مظفر در سه دهه اخیر در همه عرصه های مبارزه سیاسی و اجتماعی در دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان حضور فعال داشت. مبارزی به تمام معنا علیه اعدام بود. همه خانواده های که عزیزانشان زیر تبع اعدام رژیم اسلامی بود برای نجات فرزندانشان به رفیق مظفر و رفقایش مراجعه می کردند. و با توجه به احترام و اتورته ای که مظفر در میان مردم داشت توانست رضایت تعدادی از خانواده ها را برای بخشیدن قربانان جلب و تعدادی را نجات دهد. در خیلی از اعتراضات و مبارزاتی که در شهر سنندج و دیگر شهرها اتفاق می افتاد، رفیق مظفر در سازمان دادن آن فعال و شرکت داشت. در کمک کردن به انسان های نیازمند از هر لحاظ انواع فعالیت ها را انجام داد. بارها کسانی را که برای عمل جراحی به پول نیاز داشتند، با جمع آوری پول از دوستان و آشنایان کمک می کرد تا از مرگ نجات پیدا کنند.

فعالیت های این انسان بزرگ او را به چهره ای محبوب و صاحب اتورته و قابل احترام در میان کارگران و زحمتکشان تبدیل کرده بود. به خاطر این فعالیت های سیاسی و اجتماعی مرتب توسط جانیان مورد اذیت و آزار قرار می گرفت و بارها به زندان انداخته شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفت. اما هیچ کدام از این فشارها نتوانست در اراده وی خللی به بار آورد. دستگاه های سرکوتگر رژیم همیشه قبل از مناسبت های مانند اول مه بلافاصله او را احضار می کردند و از وی می خواستند باید تعهد بدهی که مراسمی برگزار نمی شود. اما علی رغم تمام این فشارها رفیق مظفر هیچ گاه تسلیم این روزگونی سرکوتگران نشد. باز دست دادن رفیق مظفر صالح نیا، جنبش کمونیستی و کارگران زحمتکشان کردستان یکی از فعالان اصلی و دلسوز خود را خود را دست داد. کمیته کردستان حزب کمونیت کارگری - حکمتیست مرگ رفیق مظفر صالح نیا را به همسرش گلنار، سینا و الهام و به جنبش سوسیالیستی و برابری طلبی و کارگران و مردم زحمتکش و دوستان همزمانش تسلیت میگوید. خود را هم از دست دادن این انسان کمونیت و مبارز شریک می داند.

گرامی باد یاد رفیق مظفر صالح نیا.  
اول ژوئن ۲۰۲۴  
کمیته کردستان

## در گرامیداشت رفیق مظفر صالح نیا

## فعال کارگری و سوسیالیست انقلابی شهر سنندج



سیاسی و کارگری و مردم شهر سنندج به شخصیتی محترم و مورد اعتماد و خوشنام تبدیل شد. شرکت صدها نفر در مدت کوتاهی بعد از مرگ او در تشییع جنازه سرخ او به طرف بهشت محمدی و گرامیداشت یاد این رفیق رزمنده، خواندن سرود انترناسیونال، سرود جهانی کارگران، سخنان و شعرهای انقلابی برانزده رفیق مظفر نشانه

جایگاه و محبوبیت او در شهر سنندج و در میان فعالین کارگری و سیاسی چه در کردستان و چه خارج از کردستان است. از روز شنبه بعد از مرگ این رفیق عزیز، دهها پیام از طرف تشکلهای کارگری و احزاب و سازمانها و شخصیت های سیاسی در وصف مبارزه و تلاش او نوشته شده است.

مظفر صالح نیا ساده به این موقعیت نرسید. او انسانی سختکوش و مهربان و مقاوم بود و با علاقه و تمایل قلبی و با عشقی طبقاتی به هموعانش تلاش کرد و این موقعیت را کسب کرد. تهدید همچون سایه مظفر را تعقیب می کرد. او بارها دستگیر و زندان و مورد شکنجه و آزار در دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی شهر سنندج قرار گرفت، تهدید می شد اما همه این مشقات را به جان خرید و هر بار مقاومت و اراده و عطسی بزرگتر به مبارزه ادامه می داد. آخرین بار به مناسبت اول ماه مه امسال به اطلاعات سنندج احضار شد و او را دوباره تهدید کرده بودند که دست از مبارزه و فعالیت بردارد.

به قول یکی از رفقای مظفر "واستوره مقاومت بود". مظفر زندگی پربراری در خدمت به هم طبقه ای هایش داشت و فقدان او خلابزرگی در جنبش آزادی خواهی و کارگری است. همه انسانها روزی خواهند مرد، اما مرگ انسانهایی که زندگی و تلاششان تاثیر عمیق و مثبتی در زندگی دیگران داشته و به نیکی از آن نام می برند، دردناک است. مظفر از زمره چنین انسانهایی بود. بدینوسیله مرگ رفیق مظفر را به خانواده عزیز مظفر، به دوستان و رفقای او به مردم مبارز شهر سنندج تسلیت می گویم و یاد خاطرانش را با ادامه راهش که رهایی کارگران و زحمتکشان از تبعیض و نابرابری و استثمار نظام سرمایه داری است گرامی میداریم. یاد و تلاش او را همیشه زنده نگاه خواهیم داشت.

سردبیر ۶ ژوئن  
۲۰۲۴

**در استکهلم**

**مراسم گرامیداشت  
رفیق مظفر صالح نیا  
از چهره های محبوب شهر  
سنندج و جنبش کارگری  
و سوسیالیستی ایران**

یکشنبه ۹ ژوئن ۲۰۲۴  
ساعت ۱۷ تا ۱۷:۱۴

Årsta Folket Hus  
Hjälmarvägen 26  
12053 Årsta, Stockholm

از شما عزیزان و دلسوزان جنبش کارگری و سوسیالیستی، مبارزان راه آزادی و برابری انسانها دعوت می کنیم که در مراسم یادبود و گرامیداشت پدر و رفیق عزیزم مظفر صالح نیا شرکت کنید.

الهام صالح نیا 3 یونی 2024

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## پیامها و نوشته ها در گرامیداشت رفیق

### مظفر صالح نیا

برای رفیقمان ؛ مظفر صالح نیا

رامین کریمی

آخرین دیدارمان برمی گردد به دهم اردیبهشت ماه امسال زمانی که درون گیت ورودی ساختمان ستاد خبری وزارت اطلاعات به انتظار نشسته و منتظر بودم طبق روال همیشگی صدایم بزنند تا به داخل بروم و باز هم سوال و جوابها و تهدیدهای همیشگی در رابطه با روز کارگر آغاز گردد.

غرق در خیالات و افکارم و مشغول جمع بندی جوابهایی که از پیش آماده کرده بودم که ناگهان صدایی آشنا از پشت در ورودی به گوش رسید که با نگرانی جلو در مشغول جر و بحث بود گوشه ای؟ گوشه ندارم من . شایدم دارم تو خونه جا گذاشتم الان هیچی پیشم نیست.

صدای مظفر بود که با آن لهجه شیرین حتی با این موقعیتی که در آن قرار گرفته بود با طنازی همیشگی بر خورد می کرد.

آمد و در صندلی کنار دستم نشست گویی اضطراب و نگرانی را در چهره ام تشخیص داده بود، بعد از سلام و احوالپرسی صورتش را دقیقا مقابل صورتم قرار داد و با صدای زیر و زمزمه گونه شروع به شوخی و تعریف کردن خاطرات رفقای دیگر نمود و تا لبخندی به پهنای صورتم تحویل نگرفت دست بر نداشت . قلب مهربان و ملامال از عشق به انسانیت مظفر انگار وظیفه ای برایش تعریف نموده بود که در برخورد با هر رفیقی حتما باید لبخندی به چهره اش بیاورد.

از بکار بردن واژه مرگ یا مردن برای فقدان رفیقمان مظفر اکراه دارم زیرا هرکس حتی برای یک روز از نزدیک با وی برخورد داشته میتواند گواهی دهد که این انسان نازنین سرشار از شور و امید به زندگی بود و یقین دارم که حتی در آن لحظات آخر نیز مرگ را به سخره گرفته است.

مظفر صالح نیا ، کارگری آگاه و شخصیتی خوشنام و اجتماعی بود که فقدانش لطمه ای جبران ناپذیر برای جنبش کارگری و کمونیستی است. نبودنش شاید برای ما جانکاه و دردآور باشد اما نام نیک و سنت انسانی که از خود به یادگار گذاشت چراغ راهی خواهیم نمود برای رسیدن به دنیایی بهتر که مظفر و مظفرها عمرشان را در راه ساختن آن وقف نمودند.



نامشان زمزمه نیمه شب مستان باد

تا نگویند که از یاد فراموشانند

یادش گرامی

درگذشت فعال کارگری، مظفر صالح نیا در سنندج؛

پیام های تشکل های کارگری

مظفر صالح نیا، فعال جنبش کارگری، عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد



کارگران ایران و گروه کوهنوردی چل چمه بود. او بارها طی سالهای اخیر توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی احضار، بازداشت و شکنجه شده بود. نهادهای امنیتی سال گذشته نیز این فعال کارگری گرد را تهدید کرده و از او خواسته بودند که در سالگرد اعتراضات سراسری از شرکت در مراسمها خودداری کند.

او در کمپین نه به اعدام، جنبش کارگری و سایر کارها و حرکت های اجتماعی و اعتراضی که طی بیش از سه دهه اخیر در سنندج صورت گرفته است همیشه نقشی مهم و کلیدی ایفا کرد.

صالح نیا در ۱۳۶۵ با عضویت در اتحادیه صنعتگران شروع به فعالیت کارگری کرد و در کلیه مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر و هشت مارس روز جهانی زن در سنندج حضوری فعال داشت. او در مراسم روز جهانی کارگر در سال های ۶۷ و ۶۸ در پاساژ عزتی، سالن تختی و دبیرستان رنج آوری سنندج حضوری فعال داشت. همچنین در سال ۱۳۸۵ به عضویت اتحادیه کارگران اخراجی بیکار در آمد و دو سال بعد نیز به اتحادیه آزاد کارگران ایران پیوست و بعدها نیز به عنوان هیات مدیره این اتحادیه انتخاب شد و نقش رهبری این تشکل را به عهده گرفت.

بر اساس ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی، امروز جمع کثیری از مردم کردستان در مراسم خاکسپاری او شرکت کردند و بر سر مزار او نسخه ای کوردی سرود انترناسیونال را همخوانی کردند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و جعفر عظیم زاده، فعال کارگری پیام های جداگانه ای در پی درگذشت وی منتشر کردند.

پیام سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

تسلیت به مناسبت درگذشت نابهنگام فعال کارگری مظفر صالح نیا

با کمال تأثر و تأسف مطلع شدیم که مظفر صالح نیا از فعالین قدیمی و خوشنام جنبش کارگری و از اعضای هیئت مدیره



برگزاری مراسم‌های روز جهانی کارگر و روز زن و سیمایی از آزادیخواهی و برابری‌طلبی کارگران و مردم سنندج بود.

او در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته بدلیل فعالیت‌ها و مبارزات آزادیخواهانه‌اش همواره تحت آزار و اذیت نهادهای امنیتی قرار داشت و به دفعات بازداشت و محاکمه شد.

درگذشت مظفر صالح‌نیا ضایعه‌ای بزرگ برای ما در اتحادیه آزاد کارگران ایران، جنبش کارگری و صفوف آزادیخواهی و برابری‌طلبی مردم ایران است.

ما درگذشت نابهنگام مظفر عزیز را به همسر، فرزندان و دیگر اعضای اتحادیه، همه یاران و بستگانش تسلیت می‌گوئیم و اعلام می‌داریم راه او را برای برپایی دنیایی آزاد و برابر و عاری از هرگونه ستم و استثمار با تمام توان ادامه خواهیم داد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران. دوازدهم خردادماه

یکهزار و چهارصد و سه

پیام جعفر عظیم زاده:

بدرود رفیق عزیزم

مظفر عزیزم، چقدر ناگهانی و ناباورانه ترک‌مان کردی و تحمل نبودنت چه سخت و طاقت فرساست.

ما تو را در حالی از دست داده‌ایم که افق آزادی و رهائی با ایستادگی و خستگی ناپذیری مبارزانی چون تو بیش از هر دوره دیگری در دسترس ما کارگران و مردم ایران است.

نبودن سازمانده برجسته‌ای چون تو در چنین دوره‌ای، ضایعه‌ای بزرگ برای ما در اتحادیه، جنبش کارگری و برای صفوف آزادیخواهی و برابری‌طلبی در سراسر کشور و شهر سرخ سنندج است.

ما صلابت و خستگی ناپذیری تو را در مبارزه برای آزادی و برابری توشه راهمان خواهیم کرد و لحظه‌ای در مبارزه برای دستیابی به آرمان‌های ولایت از پای نخواهیم نشست.

بدرود، بدرود، بدرود رفیق عزیزم

جعفر عظیم زاده دوازدهم خرداد ماه هزار و چهارصد و سه

در روزهای اول و سوم مرگ نا بهنگام رفیق مظفر صالح نیا تعدادی از فعالین کارگری از جمله عثمان محمدی و جعفر عظیم زاده در مورد شخصیت و تلاش و مبارزه رفیق مظفر برای حاضرین سخنرانی کردند. روز سوم در تجمع مردم، خانواده جانباختگان شهر سنندج نیز بر مزار رفیق مظفر حضور داشتند و به او ادای احترام کردند.

## پیامها و نوشته‌ها در گرامیداشت رفیق مظفر صالح نیا

اتحادیه آزاد کارگران ایران بر اثر ایست قلبی صبح دیروز شنبه دوازدهم خردادماه ۱۴۰۳، درگذشت.

زنده یاد مظفر صالح نیا طی چند دهه فعالیت مستمر کارگری و آزادیخواهانه و برابری طلبانه بارها توسط نیروهای امنیتی، احضار، بازداشت و بازجویی و تهدید شد اما کماکان به اعتقادات و تعهد خود به کارگران و زحمتکشان چه در سنندج و کردستان و چه در سراسر کشور وفادار ماند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه درگذشت نابهنگام مظفر صالح نیا را به خانواده محترم ایشان و به جنبش کارگری و دوستان و یاران این انسان شریف صمیمانه تسلیت می‌گوید و برایشان آرزوی صبر و شکیبایی دارد.

یاد و خاطره مظفر صالح نیا گرمی باد!

به امید برقراری کامل عدالت در ایران و جهان.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۳ خرداد ۱۴۰۳

پیام سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه:

اطلاع پیدا کردیم که قلب یکی از فعالین کارگری در سنندج از تپش باز ایستاد.

مظفر صالح نیا فعال کارگری و یکی از چهره‌های نام آشنا در شهر سنندج بود که امروز شنبه ۱۲ خرداد بر اثر سکته قلبی جان عزیزش را از دست داد.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، جانباختن مظفر صالح نیا را به خانواده، کارگران و همراهان او در سنندج، تسلیت گفته و خود را شریک در این غم بزرگ می‌داند.

یادش گرمی باد!

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۱۲ خرداد ۱۴۰۳

پیام اتحادیه آزاد کارگران ایران:

صبح امروز شنبه ۱۲ خردادماه ۱۴۰۳، مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در کمال ناباوری بر اثر ایست قلبی درگذشت.

مظفر از چهره‌های محبوب در میان مردم سنندج و از فعالین برجسته جنبش کارگری ایران، جنبش علیه اعدام، و از فعالین موثر و ثابت‌قدم

**نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!**

## تفاوت‌های حکمت

### سمیرا دولشاهی



اگر حتی بخواهیم به صورت تیتروار به رهاوردهای حکمت برای مارکسیسم در ایران اشاره کنیم، مهمترین مباحث متمایز کننده او به شرح ذیل است و هر فردی با رجوع به تیتروارهای این مباحث می‌تواند اطلاعاتی عمیق‌تر را در این حوزه بدست آورد:

۱: سبک کار: حکمت با طرح بحث جنبش مجامع عمومی سنتز بین چند گرایش جاری در حوزه کار اجتماعی بود. وی هم تئوری‌های پیوند و تئوری‌های کار حوزه‌ای (که شکل بروز شده تئوری پیوند توده‌ای‌ها است) را نفی و طرد می‌کرد و با برخورد نخبه‌گرایانه آنان با توده کارگر مخالف بود و هم تئوری‌های خودبه‌خودی و آنارشستی و اتونومیستی نسبت به طبقه کارگر را که در نهایت هردو آنتی‌لنینیسم ناب بودند، رد کرد. از درون ایده‌های حکمت نه دعوت به کارگر شدن همه و ترک کار سیاسی استخراج می‌شد و نه چریکیسم جدا از توده و انتظار برای قیام!

۲: نفی انحلال طلبی: حکمت رادیکال‌ترین برخورد با احزاب و تشکلهای و جریان‌ها را انجام داد. کمتر مارکسیستی است که از همان ۱۹۱۸ انحراف از مشی کمونیستی و کارگری را در انقلاب اکتبر مورد اشاره قرار دهد. با این وجود همین منصور حکمت چنان ضد انحلال طلبی بود که در دهه ۱۹۹۰ در برخورد با خبر تحریم مضاعف کوبا، از "سسیم سوسیالیسم" آن هم دفاع کرد. این مشی درمورد احزاب نیز صادق بود. حکمت رادیکال‌ترین منتقد احزاب مدعی سوسیالیسم و طبقه کارگر در ایران بود. تندترین نقدها به میراث کومه‌له و حزب کمونیست ایران نیز توسط او بطور مداوم انجام می‌شد. اما ایده او نه بازگشت به عقب، که پیوستن به شکل جدیدی از تحزب بود. او تا پایان عمر از هر نوع انضباط گریزی سیاسی و سازمان‌گریزی اجتماعی خود را مبری می‌ساخت.

۳: نه به قوم‌گرایی، نه به ناسیونالیسم: حکمت نه مانند توده‌ای‌ها سودای "تمامیت ارضی" و احترام به فرهنگ ملی ایرانی داشت و نه به هرگونه قوم‌گرایی پیرامونی امتیاز می‌داد. دوگانه بین مرکز‌گرایی و اتنیک‌گرایی و قوم‌پرستی، دقیقاً برخلاف دو مشی توده‌ای و خلقی (و نئوتوده‌ای و نئوخلقلی) دقیقاً با طرح اندیشه منصور حکمت شکاف بر می‌آید. ما برای حفظ انسجام طبقاتی و مقابله با هرگونه سناریوی سیاه امپریالیستی و هر نوعی از فدرالیسم ارتجاعی ایستادیم، اما این ایستادگی هرگز به معنای تحمیلات فرهنگی و زبانی و ستم اقتصادی و نفی سایر حقوق قومیت‌ها نیست. حکمت به خوبی نشان داد که میل به هویت و نفس دفاع از ملیت و قوم، میل و حسی است که روابط بورژوازی برانسان تحمیل کردند. دفاع وی از امکان بحث درباره جدایی کردستان، خود نمونه‌ای از آن است که انگ ناسیونالیسم ملی و مرکز‌گرایی فارسی که به دروغ به او چسباندند، هیچ واقعیتی ندارد.

۴: فقدان تفکر مکانیکی و جدایی بنیادین زیربنا و ربنای حکمت به دلیل نگرش پویای مارکسیستی و تسلط او به ابزار فلسفی اندیشه مارکس، به خوبی توانسته بود سوخت و ساز و پویایی نظم‌های مختلف سیاسی و اقتصادی را درک کند. برخلاف مشی نئوتوده‌ای که میان زیربنا و ربنای یک دیوار آهنین می‌کشد (و مثلاً شرایط را طوری جلوه می‌دهد که از نظر سیاسی یک نظام می‌تواند ضد امپریالیستی ولی در نقطه نظر اقتصادی سرمایه‌داری باشد)،

چهارم ژوئن سالروز تولد منصور حکمت، یکی از شخصیت‌های نظریه‌پرداز موثر تاریخ مارکسیسم در ایران (به روایت دوست و دشمن) است. در مناسبت "روز حکمت" با بازخوانی و معرفی گوشه‌هایی از آثار منصور حکمت، برای معرفی بیشتر این کمونیسم متمایز تلاش می‌کنیم.

مارکس در مقدمه گروندریسه (که خود این مقدمه به تنهایی یک اثر سترگ در عرصه اندیشه انسانی محسوب می‌شود) بر این نکته روشی تاکید می‌کند که شناخت دقیق ایده‌ها و پدیده‌ها (مانند سرمایه‌داری) بیشتر نه از مسیر شناخت تشابهات آن با سایر ایده‌ها و پدیده‌ها (مثل تشابه سرمایه‌داری با دیگر اشکال نظام طبقاتی گذشته)، که برعکس، بیشتر باید بر مبنای روشن کردن تمایزات آن باشد.

این نکته روش شناختی البته در مورد منصور حکمت نیز صدق می‌کند و خود او نیز در روش تفکر خود، به خوبی این مشی روشی مارکس را رعایت می‌کرد. شناخت حکمت بدون شناخت تمایزات حکمت و شیوه تفکر او با سایر متفکرین چپ ایرانی و حتی جهانی، میسر نخواهد بود. شاید به همین دلیل بود که او در سال ۱۳۶۸ در مصاحبه‌ای جنجالی قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و گردش کامل چین به سرمایه‌داری، از تیتروار "تفاوت‌های ما" استفاده کرده و مدام تمایزات خود با "دیگری سیاسی" خویش درون چپ جامعه را برجسته کرد.

در شرایطی که اکنون پس از حدود دو دهه از مرگ منصور حکمت، میراث او همچنان خواننده می‌شود، بسیاری از خصم‌های پیشین او در لباس‌هایی جدید، همچنان با کینه فراوان به او می‌تازند. فرقی نمی‌کند خط او در جنبش کارگری و دانشجویی و زنان در موقعیتی دست بالا را داشته یا دست پایین داشته باشد. در هر دو صورت منصور حکمت مرغ عزا و عروسی چپ حاشیه‌ای و سنتی ایران کنونی بوده و هست. اما چرا؟

برای پاسخ به این نیز باید بر "تفاوت‌های حکمت" تمرکز کرد. اینکه هنوز او همانطور که در زمان حیات خود توسط توده‌ای‌ها و خلقی‌ها و لیبرالیسم چپ مورد حمله واقع می‌شد، امروز توسط نئوتوده‌ای‌ها (از آذرین و شفیق تا مرتضی محیط و باقی شرکاء) و نئوخلقلی‌ها (جماعت قوم پرست و شبه آنارشئیست جدید) و شبه روشنفکران چپ نوی دنباله روی مشی لیبرالیسم چپ مورد خصومت کور واقع می‌شود، حاکی از بلایی است که وی طی دوران زندگی خود بر سر آن‌ها آورد.

البته حکمت و نام او، یک قهرمان فردی نیست بلکه یاران و همراهان مشی انقلابی و کمونیستی-کارگری او نیز در تداوم و حیات نظری آن چه او به جنبش کمونیستی ایران تقدیم کرد، نقش به‌سزایی دارند. ما زمانی که در چهارچوب نظری مارکسیستی از "فرد" صحبت می‌کنیم، تحلیل وجود اجتماعی او بدون در نظر گرفتن تمامی روابط و مناسبات و اطرافیان وی ناممکن است و جایگاه حکمت را به همین اعتبار، از درون جنبشی که وی به آن تعلق داشت باید سنجید. به همین معنا اصرار بر تمایزگذاری مشی حکمت، نه یک رفتار فرقه‌ای و سکتاریستی قهرمان‌سازانه، که رویکردی معین برای روشن ساختن خطوط اصلی از خطوط انحرافی است و بر ساختن یک کیش شخصیت تاکید ندارد.

## تفاوت‌های حکمت

### سمیرا دولتشاهی



البته حکمت دارای انبوهی از تمایزات دیگر است، اما امروزه تأکید بر این چهار تفاوت حکمت، برای نسل جدید مارکسیست ایرانی می‌تواند بیش از هر چیز گره گشا باشد.

به نظر می‌رسد، مهمترین وظیفه کنونی جنبش کمونیست کارگری در زمان حال، برجسته کردن همین تمایزات و عرضه آن مقابل چشمان جامعه است؛ تمایزاتی که روشن کننده مسیر تحقق مطالبه آزادیخواهی و برابری طلبی درون همین جامعه است.

۱۷ خرداد ۱۴۰۳ - ۶ ژوئن ۲۰۲۴

حکمت این را کاملاً پیش بینی می‌کرد که شعارهای عوامفریبانه و استقلال طلبانه دولت‌های سرمایه‌داری رنگ و لعابی است که باید با کاردک مارکسیسم از آن‌ها رازگشایی کرد. چپ خلقی و سنتی ایرانی با درک مکانیکی از رابطه روبنا و زیربنا، یا ایران را دارای شرایطی پیشاسرمایه‌داری نشان می‌داد که تا اطلاع ثانوی باید در آن انقلاب دموکراتیک کرد و یا با نادیده انگاری تمایزات روبنای سیاسی و فرهنگی و تاریخی کشوری به نام ایران (به عنوان یک کیس خاص از کشورهای سرمایه‌داری)، در دام تحلیل‌های ورکریستی و کارگرپرستانه می‌افتاد.



حضور خانواده جانباخته گان بر  
مزار مظفر صالح نیا



## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان بمناسبت درگذشت نابهنگام رفیق مظفر صالح نیا



با کمال تأسف امروز شنبه دوازدهم خرداد ۱۴۰۳ قلب فعال کارگری و چهره دلسوز، اجتماعی، محبوب، خوشنام و مردمی سندیچ مظفر صالح نیا از تپش ایستاد. ر. مظفر بارها توسط رژیم بازداشت و ده‌بار قبل از مراسم‌های کارگری احضار شد اما علی‌رغم فشارهای امنیتی دست از تلاش برای محرومان جامعه و طبقه کارگر برنداشت. ر. مظفر در فعالیتهای مختلفی شرکت داشت از جمله، از سازمان دهندگان اعتراضات علیه اعدام و تلاش برای گرفتن رضایت از خانواده‌های شاکای بود و جان انسان‌های زیادی را از اعدام نجات داد. فعالیت در گروه چهل چشمه، کمک‌های مداوم به خانواده‌های بی بضاعت و نیازمند، تلاش خستگی ناپذیر برای اتحاد و همبستگی صفوف مبارزات کارگران و ستمدیدگان از جمله سایر تلاش‌های این انسان مبارز بود. شورای نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، این ضایعه بزرگ را به همسرش گلنار خانم و فرزندانش سینا و الهام (عضو شورای نیروهای چپ و کمونیست در کردستان) و به جنبش کارگری و همه انسان‌های آزادیخواه و مبارز که دل در گرو احقاق حقوق طبقه کارگر و محرومان جامعه دارند و به‌خصوص به فعالین کارگری کردستان و شهر سندیچ تسلیت می‌گوییم.



شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان  
دوازدهم خرداد ۱۴۰۳ - اول ژوئن ۲۰۲۴



جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!



هیچ ربطی به دفاع از مردم فلسطین نداشت بلکه دمیدن آتشی علیه مردم زجز دیده غزه بود. خامنه ای در مراسم رئیسی جلاد گفت که قتل و عام چهل هزار نفرموقییتی برای جنبش اسلام سیاسی و اهدافشان بود و عملا گفت که بالاخره این جنوساید نتیجه داد. دولت امریکا و طرح مذاکره اش در درون خود کشور و حتی دولتشان آنقدر بی آبروست

که سر از جایی در نمیآورند. همین الان بشدت با دانشجویان و معترضین علیه نسل کشی در خیابانها درگیرند. دولتهای دست چندی در کشورهای عربی همه در سکوت و انتظار فرمان امریکا آماده به خدمتند. اما در بدنه این جوامع مردم در همسایگی فلسطین با همدردی عمیق خود با مردم غزه کوره راهای مرزی را میپیمایند تا به آسیب دیدگان مردم غزه نان و آب و دارو برسانند. هجوم راست و فاشیسم در حال قدرت در جبهه کشورهای "دمکراسی" ماب از یک طرف و قدرت گیری تروریسم اسلامی و نقش برجسته جمهوری اسلامی در حمایت از حوثی ها و حماس و حزب الله در طرف دیگر فضایی از توهم و گمانه زنی نادرست در میان جامعه پراکند.

برای آنها که در صف تظاهراتها و به هر شکل ممکن به قتل و عام انسان و کودکان اعتراض میکنند اصل بر دفاع از حق انسان شد. نیازی به کشف تئوریک برای حس انسان بودن لازم نیست. اما برای قشری که میدانستند و آگاهند که انسانها در یک آن در هوا با خاک یکسان میشوند اما منتظر صحت و سقم حقایق تئوریک و اسناد و پرونده های جنگی بودند انسانیت به درجه دوم تنزل کرد. کم نبودند و نیستند انسانهایی و یا حتی هرچند کوچک در بخشی از جنبشها و جریانات چپ و کمونیست که به دام هیاهو و پروپاگاندا دولتهای سرمایه داری افتادند. غفلت نابخشودنی که به دنبال "هویت" جنگ و "حق مشروع" با چه کسیست منجر شد که "انسان" و حق حیاتش زیر آوار کارزارهای تبلیغاتی معماران جنگ قرار گیرد.

جنبش چپ و کمونیستی و جنبش کارگری علل العموم در صفوف اعتراضات شرکت داشتند اما هنوز در حاشیه مانده بودند. در بخشهای کارگری به همراه بخشی از نیروی چپ سکوت و توهم غلبه کرده بود. بویژه در ایران از ترس همسو نشدن با جمهوری اسلامی و هیاهوی تبلیغاتی شان این بی تفاوتی و بی مهری در دفاع از مردم غزه تا مدتها و هنوز هم ادامه دارد. هرچند که در ایران میلیتاریزه بودن کل کشور فضایی را ایجاد کرده که هر حرکت سیاسی که از جانب دولت سازمان نیافته باشد شدیداً سرکوب میگردد. این را همه ما میدانیم. در خارج کشور تحت تاثیر احزاب ناسیونالیست و راست در اپوزیسیون و هیاهوی تبلیغاتی آنها و از طرفی هم سیاست چپ بورژوازی بخشی از مردم نیز به همین دام افتادند. شعار "نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران" که چهره نمای سلطنت طلبها و احزاب ناسیونالیست و فاشیست ایرانی در خارج کشور است عملاً پشت سیاست نتانیاهو و دولت امریکا به خدمت گرفته شده است.

امروز بعد از هفت ماه از قتل و عام بیش از ۴۰ هزار کودک و زن و مرد و پیرو جوان، با ویرانگی مطلق برای دو میلیون انسان روبرو هستیم و هنوز معلوم نیست که به کجا میانجامد و چه خسارات دیگری در راه است. صحنه سیاسی این جدالها به هر

صفحه ۸

## علیه جنوساید در غزه، بدون قید و شرط

هلاله طاهری

بیش از هفت ماه از نسل کشی عریان در غزه میگذرد و تصاویر کشتار در رفح هنوز بر صفحه میدیاهای جهانی در معرض تماشاست. اینکه جنایتکاران اسرائیل و امریکا و دفاع بی پروای دولتهای اروپایی برای رسیدن به اهداف دولت اسرائیل به کجا میانجامد موضوع این مطلب کوتاه نیست. هنوز همه چیز ناروشن و ماهها طول خواهد کشید تا بی نتیجه بودن و یا راه برون رفتی را انتظار داشت، اما نسل کشی بی وقفه ادامه دارد. جنایتی که امروز جلو چشمانمان هر روز اتفاق میافتد و هر از چندگاهی بخاطر حوادث دیگری در جهان ممکن است از تیتراژ اول اخبار حاشیه ای شود، انگار که تکرار کامل هالوکاست علیه یهودیان در یک قرن پیش است اما اینبار با مردم در فلسطین.

کوره های آدمسوزی هالوکاست را مردم آن عصر سالها بعد در موزه ها دیدند، اما امروز در یک آن میتوان تکه تکه شدن کودکان را از صفحه الکترونیک خانه های خود ببینیم و دیدم. صحنه هایی که هر وجدان آگاهی را به فریاد علیه این همه جنایت وا میدارد. پیوستن به صف تظاهراتها و انعکاس اخبار روزانه در میدیاهای مردمی که همه درها به این زندان بزرگ در غزه بسته است تنها کاری بود که از دست مردم برمیآمد. بخش وسیعتر از جوانان، زنان، فعالین حقوق بشری، جنبشهای خودجوش و قدیمی سیاسی در دفاع از حق فلسطین، جنبشهای اجتماعی مدافع حق حیات و حق انسان همه در این خشم با هم دوباره به هم رسیدند و حماسه های بزرگی آفریدند. تظاهراتهای هزاران نفره در ماههای اول این جنوساید علیه مردم غزه خواب را از سر دولتهای سرمایه داری میپراند که چگونه این خشم مردم را مهار و با اعمال کریمه خود همسو کنند. توده وسیع انسانی با شعار "نه به جنوساید!" و برافراشتن پرچم فلسطین به این جنایت اعتراض میکردند. علیرغم مقاومت دولتهای غربی برای درهم شکستن این نیروی انسانی حتی پلیس و گارد ویژه هم به خیابانها سرازیر کردند. در انگلیس و آلمان و فرانسه دولت با تمام وجود برای شکست مقاومت مردم هر اقدام ممکنی که لازم بود انجام دادند، با وجود قانون حق آزادی بیان در دمکراسی نیم بندشان خفقان رسانه ای اعمال کردند و بسیاری را در تظاهراتها دستگیر و به دادگاه کشاندند.

با وجود عظمت این خیزشها و نفرت همگانی، اما جامعه انسانی ما یک دست نبود. به اندازه لازم متشکل نبود و بدتر از همه به قدرت عظیم خود پی نبرده بود. جنبشهای عظیمی چون صف هزاران نفره کارگران برای دفاع از هموعانشان در فلسطین خالی بود. پرچمهای سرخ احزاب کمونیست بی رونق بود. ما شاهد ایجاد شکاف در میان صفوف مردمی، در درون جنبشهای اجتماعی در گوشه و کنار جهان و بویژه در ایران بودیم. دفاع از حق انسان و علیه نسل کشی برای بخشی (نه در اکثریت) مترادف گردید با جنگ میان دو جبهه و منتظر ماندن برای فایق آمدن یکی بر دیگری. زیر آوار تبلیغات میلیونی دولتهای معماران جنایت بشری بخشی از مردم، حتی فعالین اجتماعی ناآگاهانه و یا جانبدارانه دنباله رو سیاستهای دولتهای وقت خود شدند.

از آنسوی دیگر جمهوری اسلامی با همه نیروهای نیابتی که سالهاست از جمهوری اسلامی تغذیه میشوند به نام دفاع از مردم فلسطین این جنوساید را چون نعمتی برای اهداف خود میدیدند. اهدافی که نه تنها

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

## علیه جنوساید در غزه، بدون قید و شرط

### هلاله طاهری

دلیلی موجب تغییراتی شده است که دولتهای اصلی این جنایت و دولتهای اروپایی به تکاپوی راه حلی برای پایان دادن به این جنایات عریان هستند. تحمیل یک آتش بس به اسرائیل و نجات آن زیر باران نفرین میلیاردری مردم در همه جا در دستور فوری قرار گرفته است. آنچه مهم است این جنوساید باید بی درنگ قطع گردد و مسببین آن از جمله نتائینها و دولتش مجازات قانونی گردند. خسارات وارده باید بلافاصله جبران شود و بازسازی غزه و بازگشت مردم به غزه در کنار مراقبت جهانی از مردم زخم خورده و شکنجه شده غزه وسیعاً باید آغاز گردد. این خواست بی چون و چرای مردم غزه و همه مردم آزادیخواه و متمدن در سراسر دنیاست. به دنبال آن حل مسئله فلسطین و تشکیل دولت مستقل نیز از جمله خواست دیرینه مردم ستمدیده فلسطین است که برای حل آن بارها قطعنامه و معاهده ها نوشته شده و به جایی نرسیده است و وقتش است که برای به سرانجام رساندن آن تلاش کرد.

در بطن چنین روزهایی ما شاهد تغییر شیفی هم در میان احزاب و جریانات سیاسی در جامعه هستیم. برای سلطنت طلبها و طیف راست و فاشست آن کنار آمدن با چنین آتش بسی چون جام زهر نوشیدن خواهد بود. شیادی سلطنت طلبها در دمیدن آتش برای ادامه نسل کشی برای اینکه یک بار دیگر خود را به دولتهای غربی عرضه کنند برای مدتی به سنگ خواهد خورد. در میان طیف سردرگم و ساکت چپ نیز این جنب و جوش رنگ دیگری دارد. صفحه برگشته است و اخیراً در لندن کارزارهای سیاسی برای دفاع از طرح آتش بس و دفاع از مردم غزه به میان میاید. نمیدانم چقدر میارزد که بگویم این را باید به فال نیک گرفت. سوالی که اینجا مطرح است که در هفت ماه دهها

هزار انسان بویژه کودکان تکه تکه پاره و پودر شدند. با عروج راست و فاشیسم چنین سناریوهای سیاهی در گوشه و کنار را برای مردم تدارک دیده اند تا جهان را به بردگی مطلق در سطح ممکن خود برسانند. حساب ما با آنها جنگیدن است و مقاومت در مقابل تهاجم آنها. اما برای آنها که به تغییر

جهان فکر میکنند و برای یک زندگی بهتری برای انسانها یا چشم دوخته اند و یا مدعی هستند که در ساختن آن شریکند نسل کشی در غزه یک آزمایش بزرگ از حس بشر دوستانه کمونیستهاست. در این بوته آزمایش آنها بارها از جانب کودکان در حال مرگ مورد سوال قرار گرفتند که: اگر "اساس انسان سوسیالیسم است" (منصور حکمت) آیا نمیبایست پیشگیری سلاخی این نسل بر ثابت شدن باخت و برنده معماران این جنایت اصل میبود؟ برآستی آیا بدون انسان و دفاع از حق حیات او سوسیالیسم ممکن است؟

۶ ژوئن ۲۰۲۴



سیاسی بود و بعد از مدتی مسئولیت دسته ای از پیشمرگان را بعهده گرفت و در این دوران دو بار رخمی شد. رفیق حمید شالچی (مدد) انسانی با احترام و متواضع بود و همین خصوصیات وی را به انسانی محبوب در میان دوستان و اطرافیانش تبدیل نموده بود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ضمن اظهار تأسف از درگذشت نابهنگام رفیق حمید، به همسرش رفیق زهرا محمدیان و فرزندانشان و همینطور رفیق عبدالله شالچی (عبه تاران) و خواهرش گیتی شالچی تسلیت می گوید.

یاد او و تلاشش برای تحقق آرمانهای انسانی زنده و گرمی خواهد ماند.

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳ ژوئن ۲۰۲۴

### پیام دفتر مرکزی حزب حکمتیست

## به مناسبت درگذشت رفیق حمید شالچی تبریزی

با کمال تأسف و تأثر اطلاع یافتیم که عصر روز ۳۱ مه ۲۰۲۴ رفیق حمید شالچی تبریزی (مدد) بعد از مدتی بیماری در سن ۶۳ سالگی در ونکور کانادا درگذشت.

رفیق از چهره های سرشناس سوسیالیست بود که از همان دوران نوجوانی انسانی آرمانخواه بود که به مبارزه با نابرابری ها روی آورد. در قیام ۱۳۵۷ شرکت نمود و به مانند برادرش عبدالله شالچی (عبه تاران) که از مبارزین مقاوم دوره سلطنت پهلوی بود به صفوف کومه له پیوست و در تشکیلات تهران به فعالیت پرداخت. پس از دستگیریها و لو رفتن تشکیلات تهران به صفوف پیشمرگان کومه له در کردستان پیوست.

رفیق حمید شالچی در کردستان رفیقی جسور، کاردان و با صراحت

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!





است. دولت آلمان بیشترین خدمت را به "اسلام خوش خیم" کرده است، مساجد مثل قارچ سبز شده اند و به مراکز تروریسم تبدیل شده اند، تا جایی پیش رفته اند که چندی پیش در تظاهرات در هامبورگ، اسلامپستها ادعای خلافت اسلامی در آلمان را داشته اند. بعد از حادثه شهرمانهیم، یکی از وزرای آلمان در این خصوص گفته است که "اسلام متعلق به آلمان است، اما اسلام

گرایی نه" و از جوامع مسلمان خواسته اند تا در مبارزه با افراطگرایی تلاش کنند. دولتهای اروپایی از ترس تروریسم اسلامی مرتب به اسلام و جوامع اسلامی خدمت می کنند با اینکه نیک می دانند اسلام واقعی آنچه است که می بینند، جمهوری اسلامی، طالبان، الشباب، داعش و غیره.

اوضاع جهان بیش از پیش رو به وخامت می گراید. تشدید رقابت میان بلوک بلندیها و قدرت های امپریالیستی، به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان و آوارگی هزاران افغان به کشورهای اروپایی، جنگ در آکرین و وخامت اقتصادی مردم در اروپا، جنگ در غزه و نسل کشی مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل، جملگی عواملی در جهت تشدید خشونت و زمینه ساز رشد فاشیسم در اروپا و اسلام گرایی و تروریسم اسلامی است.

اسلام سیاسی، تروریسم اسلامی، فاشیسم، نژاد پرستی تهدیدی جدی برای بشریت در جهان امروز هستند و تفرقه و جدایی و کینه و دشمنی میان مردم را به اوج رسانده است. دولتهای امپریالیستی و سرمایه داری برای ادامه بقا و تسلط بر جوامع بشری به این ابزارها و تفرقه و چند دستگی میان مردم نیاز دارند. پایان دادن به این اوضاع کار مردم متمدن و در درجه اول طبقه کارگران کشورها و فاسرزدن به این اوضاع است. با سرنگونی جمهوری اسلامی به عنوان یک پای تروریسم، اسلامی سیاسی و تروریسم اسلامی تضعیف خواهد شد. دامن زدن به جنبش ضد جنگ توسط مردم آزادیخواه جهان و پایان دادن به جنگ سرمایه داران خواست بشریت آزادیخواه جهان است.

۶ ژوئن ۲۰۲۴

**parlow TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲  
ساعات پخش به وقت ایران :  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

## اسلام سیاسی، تروریسم اسلامی، فاشیسم، تهدید

### جدی برای بشریت

سعید یگانه

بر اساس تصاویر منتشر شده در رسانه ها، روز جمعه ۳۱ ژوئن در مرکز شهرمانهیم در آلمان در جریان متینگ یکی از جریانهای راسیستی به اسم "پاکس یوروپ" در مخالفت با اسلام، فردی اسلامپست با چاقو به برگزارکنندگان این متینگ حمله کرد و ۷ نفر از جمله یک پلیس زخمی شدند. پلیس چند روز بعد بر اثر شدت جراحات در بیمارستان درگذشت. در این حادثه، مرد مهاجم که جوانی ۲۵ ساله از پناهندگان افغانستان است توسط پلیس زخمی و دستگیر می شود.

این اتفاق واکنشهای فراوانی در جامعه آلمان در بر داشته است. بعد از سختگیری چند ماهه اخیر دولت علیه پناهجویان و تدوین قوانین سختگیرانه در آلمان، این رویداد فضای خارجی ستیزی را تشدید کرده و جریانهای فاشیستی از این فضا به نفع خود و علیه شهروندان خارجی بهره برداری می کنند. این حمله در آخرین روزهای تبلیغات انتخاباتی پارلمان اروپا رخ داد که حزب فاشیست "آ اف دی" آلترناتیو برای آلمان، خطر ناشی از مهاجرت از "کشورهای اسلامی" را یکی از محورهای اصلی کارزار انتخاباتی خود قرار داده است و از این رویداد تلخ و کشتن یک پلیس، به فضای خارجی ستیزی دامن می زند.

رویداد مانهیم و کشتن یک پلیس توسط یک فرد اسلامپست محکوم است و انزجار بیشتری علیه اسلام سیاسی و عملکرد جنایتکارانه آنان را بر می انگیزد. اسلام سیاسی خطر جدی برای بشریت است و در آن شکی نیست و رویداد مانهیم نمونه بسیار کوچکی از آن است. در طول سالهای گذشته بارها شاهد ترورو کشتار انسانهای بی گناه در کشورهای اروپایی توسط تروریستهای اسلامی بوده ایم. اما فاشیسم نیز کم خطرتر از اسلام سیاسی برای بشریت نیست. تاریخ قرن بیست و عروج فاشیسم در اروپا بخصوص در آلمان تجربه تلخی برای بشریت است که باید جلو عروج مجدد آن را گرفت. اسلام سیاسی و فاشیسم اگرچه دو تاریخ متفاوت دارند، اما امروزه همدیگر خدمت می کنند و از همدیگر مایه می گیرند. جریانهای فاشیستی خطر اسلامی سیاسی در اروپا را دستمایه جلب افکار عمومی و تشدید خارجی ستیزی می کنند. اسلام و ناسیونالیسم دو روی یک سکه اند، فاشیسم از تمایلات عمیق ناسیونالیستی نشات می گیرد.

اسلام سیاسی را غرب تقویت کرد و به قدرت رساند که بلای جان مردم نه تنها در منطقه خاورمیانه که در اروپا شده است. یادمان نرود اسلام سیاسی را غرب در تقابل با شرق در دوره جنگ سرد به مردم ایران تحمیل کردند که بیش از چهار دهه سابقه ترور و قتل و اعدام مخالفان در ایران و ترور و جنایت در منطقه دارد. اسلام سیاسی را غرب در افغانستان تقویت و جامعه افغانستان را به این روز انداختند. قدرت گیری اسلام سیاسی نتیجه سیاست امریکا و غرب در قبال تحولات سیاسی در منطقه است که امروز گریبان آنها را نیز گرفته

**زنده باد برابری زن و مرد!**



کمونیستی طرح نکرد. با شفافیت و انتقادی و تعرضی به کل کمونیسم موجود خود را عرضه نکرد، در نتیجه نارسا و ناکافی مطرح شد. و آن تحول اساسی مورد نظر را به همراه نداشت. به همین دلیل سه سال بعدتر منصور حکمت به موضوع برمیگردد و این بار در چارچوبی متفاوت دیدگاه خود را در دو

محور اصلی عرضه و فرموله کرد. محور اول: به عنوان انتقاد و تعرضی مارکسیستی به کل کمونیسم موجود در دنیا و چپ ترین روایت از آن که ناظر بر سیاست و پراتیک حزبی بود که خود در رأس آن قرار داشت. و محور دوم: اثباتی به عنوان ارائه چارچوب یک جنبش متمایز و به عنوان چارچوب فکری، سیاسی، پراتیکی و حزبی همان جنبش متمایز طرح شد. منصور حکمت خود این روند را چنین بیان میکند. "بنابراین بحث من دو بخش عمومی دارد بخش اول راجع به این است که مبحث کمونیسم کارگری به چه چیزی پاسخ میدهد و تحت چه شرایط معینی و در رابطه با چه مشاهدات و تجربیات معینی خودش را مطرح میکند و بخش دوم صحبت من راجع به کمونیسم کارگری بعنوان یک موضوع اثباتی است. امیدوارم که در آخر این جلسه توانسته باشم کاری بکنم که رفقا این را تشخیص بدهند که بحث کمونیسم کارگری فقط شکوه ای درباره "کارگری نبودن حزب کمونیست ایران" و یا "کم بودن کارگران در حزب کمونیست" نیست. فشاری نیست برای "کارگر گرایی" بیشتر توسط حزب کمونیست ایران. بلکه معرفی و مقدمه ای است به یک دیدگاه سیاسی و اجتماعی متمایز. دیدگاهی که عواقب و استنتاجات سیاسی و عملی بسیار فراگیر و وسیعی دارد. دیدگاهی که هدف خودش را پیشبرد پراتیکی قرار میدهد که با آن چیزی که امروز بعنوان کمونیسم چه در بیرون حزب کمونیست و چه توسط حزب کمونیست ایران انجام میشود، تفاوت بسیار دارد. " (منصور حکمت - سمینار اول کمونیسم کارگری - مارس ۱۹۸۹ - تمامی نقل قولهایی که از این بیعد در این متن میآید از همین منبع است)

منصور حکمت ارائه این دیدگاه تماما متمایز و دگرگون کننده را حاصل سه سال تعمق در زندگی سیاسی خودش نیز میدانند. در این رابطه حکمت میگوید. "مبحث کمونیسم کارگری بطور مشخص برای من چگونه طرح شد؟ ما برای این پا به فعالیت سیاسی گذاشته ایم که آدمهایی هستیم با افکار معین و تبیین معینی نسبت به دنیای پیرامون خودمان و تغییری که باید در آن بوجود بیاوریم. انتخاب کمونیسم بعنوان یک روش زندگی و یک روش مبارزه و یک تئوری و یک ایدئولوژی نیز از همینجا مایه میگردد. در این مبارزه، دستاوردهای معینی بدست آورده ایم. هریک از ما میتواند به تاریخ زندگی سیاسی خودش فکر بکند و بفهمد که به کجا رسیده است و چقدر در جهت آن اهداف و آرمانهایی که او را به این سمت کشانده است، پیش رفته است. بحث کمونیسم کارگری حاصل بیش از سه سال تعمق خود من است راجع به این جنبه از زندگی سیاسی خودم و فعالیت سیاسی ای که خود را بخشی از آن میدانم".

در ادامه منصور حکمت پرتوقع و پر انتظار و بلند پرواز سئوالات اساسی و محوری پیش روی کمونیسم کارگری و ضرورت پاسخگویی آنها را طرح میکند. در این باره میگوید:

"راستش اولین چیزی ای که من را متقاعد کرد که

## معرفی مبانی کمونیسم کارگری به مناسبت روز حکمت

رحمان حسین زاده

در مناسبت گرامیداشت حکمت، هدف اینست با افکار و نگرش و سیاست و پراتیک و شخصیت این مارکسیست و رهبر کمونیستی برجسته آشنا شویم. بر این اساس من این بار معرفی مبانی و تزه‌های کمونیسم کارگری منصور حکمت را انتخاب کردم. منصور حکمت با بسیاری از تئوریه‌ها و سیاستهای دگرگون کننده مارکسیستی و بینش انسانی و تحولات مهم در کمونیسم ایران و عراق و... تداعی میشود. اما من فکر میکنم بیش از هر چیز با کمونیسم کارگری تداعی میشود. همانطور که مارکس با کمونیسم و لنین با بلشویسم و انقلاب اکتبر تداعی میشود. کمونیسم کارگری پایه جنبش، تئوری و سیاست و حزب و پراتیکی است که حکمت به آن تعلق دارد و در سالهای آخر قرن بیستم رهبری این ترند را به عهده گرفت. منصور حکمت در معرفی و در بسط کمونیسم کارگری علاوه بر انبوهی از مطالب متعدد، به طور مشخص سه سمینار مفصل برگزار کرده است. سمینار اول در مارس ۱۹۸۹ و سمینار دوم در ژانویه ۲۰۰۰ و سمینار سوم در ژانویه ۲۰۰۱ برگزار شده اند. این مباحث مفصلند و در فرصت کوتاه امروز نمیتوانم حتی به معرفی همه تزه‌های این مباحث بپردازم. من اساسا سمینار اول را مبنای سخنرانی امروز قرار داده ام و در این فرصت هدف اینست که مرور کوتاهی داشته باشیم و امیدم اینست که بار دیگر این عطف توجه را جلب کنم، که مجددا این مباحث را مطالعه و تعقیب کنیم و راهنمای سیاست و پراتیک خود قرار دهیم. برای معرفی این مبحث به نقل قولهای متعددی از خود حکمت مراجعه میکنم که به نظرم به طرز گویایی معرف دیدگاه وی هستند.

اجازه بدهید ابتدا اشاره کنم که من چگونه با مبحث کمونیسم کارگری آشنا شدم و به لحاظ تقویمی سیر معرفی این مبحث و پیدایش این جریان چگونه بود.

اولین بار در سال ۱۹۸۶ و در کنگره دوم حزب کمونیست ایران با مبحث و عنوان کمونیسم کارگری از جانب منصور حکمت آشنا شدم. در بخش گزارش آن کنگره و در مبحث جامعی تحت عنوان "موقعیت و دورنمای حزب" منصور حکمت موانع پیش پای انقلاب کارگری را در سطح جهانی و در ایران برمیشمرد. در آن مبحث و آن زمان به عنوان یکی از اساسی ترین موانع انقلاب کارگری این تز برجسته شد که "طبقه کارگر یک راه می‌رود و جنبش به اصطلاح کمونیستی هم یک راه دیگر" منصور حکمت از شکاف موجود بین "کارگر و کمونیسم" صحبت میکرد و میگفت که در دوره مارکس و در اوایل قرن در دوره لنین اینجوری نبود، برعکس کمونیسم آن دوره ها کارگری و جنبش کارگری آن دوره ها به ویژه بخش پیشرو آن کمونیستی و مارکسیستی بود. جنبش کارگری و کمونیستی در هم تنیده بودند. همین یک عامل تعیین کننده وقوع انقلاب کارگری اکتبر بود. نتیجه گیری اصلی حکمت این بود که به شکاف بین کارگر و کمونیسم باید پایان داد و کمونیسم کارگری را باید احیاء و مجددا شکل داد. از آن وقت کمونیسم کارگری مبنای تحرکی مهم در حزب کمونیست ایران و عنوان و پدیده ای آشنا در کمونیسم ایران شد. آن دوره این گرایش به عنوان بحثی اثباتی و در تداوم و تکامل خط حزبی مطرح شد، به اندازه کافی تمایزات خود را با رادیکالترین چپ موجود غیر کارگری و غیر

## معرفی مبانی کمونیسم کارگری...

هنوز باید سئوالات مهم و جدیدی را پاسخ داد این بود که من کمونیسم را بعنوان یک آرمان کارگری پذیرفته بودم و شش هفت سال از پراتیک فعال خودم بعنوان یک کادر جنبش کمونیستی ایران میگذشت و عینا میدیدم که پراتیک روزمره من تاثیری در سرنوشت آن نسل کارگری که دارد با من زندگی میکند، هم دوره من است، معاصر من است، ندارد. خوب میشود برای این بی تاثیری تئوری داد. تئوری مراحل داد. مثلا گفت مرحله اول مرحله پاشیدن بذر آگاهی سوسیالیستی است بعد نوبت تشکیل احزاب کمونیست است بعد این احزاب میروند کار میکنند و آن کارگران را میآورند و غیره. من شخصا یک همچون تبیینی از زندگی خودم ندارم و یک همچون تبیینی را هم از کسی قبول نمیکنم. سناریوی اینچنینی را قبول نمیکنم. شش سال کمونیست متشکل بوده ام و پس از شش سال، بچه دهساله آن روز کارگر شانزده ساله امروز شده است. در این شش سال با آمار دولتی میشود نشان داد چند کارگر مرده اند، در این شش سال میشود با آمار دولتی نشان داد دست چند نفر قطع شده، در این شش سال میشود نشان داد چه تعداد متولد شدند و زبان باز کرده اند و خرافه های اجتماعی را پذیرفته و تکرار میکنند. در این شش سال میشود نشان داد میلیونها انسان چطور صبح را به شب و امروز را به فردا رسانده اند. در این شش سال میشود دید که پسر حاجی سر کوجه چگونه حزب اللهی شد و زندگی میلیونها نفر را سیاه کرد، کشت و به کشتنشان داد، نانشان را برید، مغزشان را پر از خرافه کرد. و تو، توئی که معتقدی پرچمدار تحول انقلابی جامعه زمان خودت هستی، پیشتاز جامعه ای، کسی که تکه ای از آینده است که امروز زندگی میکند، تو حتی نتوانسته ای سرسوزنی در وضع همین لحظه تاثیر بگذاری.

کمونیسم نادخیل در مبارزه اجتماعی قاعدتا باید آدمی را که فلسفه فعالیتش را تغییر اجتماع قرار داده باشد بفکر بیاندارد. برای خود من اینطور بود. اما از نظر تحلیلی، واقعا احتیاجی به طی کردن این روند برای رسیدن به نقطه نیست. با کمی تعمق میتوان درک کرد که یک جایی نقیصی هست. سئوالاتی هست که باید پاسخ بگیرد. تشکیل حزب کمونیست نه فقط پاسخ این سئوالات نیست، بلکه خود این سئوالات را بطور برجسته تری تاکید میکند.

من یک سلسله مشاهدات را برای شما مطرح میکنم که فکر میکنم باید به آن فکر کنید و فکر میکنم باید برای آنها جواب داشته باشید. بیرون از ما میگویند صد و چند ده سال از مانیفست کمونیست میگذرد، کو انقلابتان؟ شوخی میکنید، خودتان را فریب میدهید، کجاست این انقلاب شما؟ بیرون ما میگویند پیش بینی های مارکس غلط از آب درآمده است. مگر قرار نبود اول در انگلستان انقلاب سوسیالیستی بشود و بعد آلمان و غیره؟ اما چنین نشد. نه در اروپا، بلکه در یک جاهای دور افتاده ای در کره ارض اتفاقاتی افتاد که چهار سال بعد خود شما هم حاضر نبوده اید زیر آن را بعنوان انقلاب سوسیالیستی امضا کنید. میگویند کمونیسم و انقلاب کمونیستی تخیل است، مقولاتی قدیمی است. اینها را از بیرون به ما میگویند و بلند هم میگویند. باقی چیزها را باید خودمان به خودمان بگوئیم. حزب انقلاب کارگران، کارگر در آن کیمیاست. نگاه که میکنید می

بینید اساسا روشنفکران جامعه را سازمان داده است. چرا اینطور است؟ حزب انقلاب کارگری است، چرا سازمانده کارگر نیست؟ میگوئیم که جنبشی است که حقایق اساسی راجع به جامعه و جهان موجود را بیان میکند، حقایق را بیان میکند. میگوئیم حقایق قابل درک و شفاف را راجع به جهان سرمایه داری بیان میکنیم که بورژوازی در هزار و یک رمز و راز آنرا پیچیده و پنهان کرده است. پس چرا حرفمان در رو ندارد؟ چرا آخوند سر محل داستان خر دجال را میتواند به کرسی بنشانند من کمونیست این حقایق را نمیتوانم به کرسی بنشانم؟ چرا هزار و یک جور خرافه بعنوان عقل سلیم پذیرفته میشود، اما حرفهای حقیقی من و شما بعنوان عقل سلیم پذیرفته نمیشود؟ و بعد به پژواک حرفهای خودمان که از در و دیوار جامعه برمیگردد، گوش میدهیم میبینیم که چندان حقایق قابل فهمی بنظر نمیآیند. فهمیدن اینها به متخصص احتیاج دارد، بیشتر از هر چیزی به یک مومن احتیاج دارد. جنبش بیان حقایق چرا به این روز درآمده، جنبشی که پایه اش روی افشای حقیقت جامعه سرمایه داری قرار دارد؟ انگار حرف خودش را خودش نمیفهمد!! و چرا نمیتواند به کسی بقبولاند؟ میگوئیم جنبش انقلاب و تحول و دگرگونی اساسی کل جهان موجود هستیم. جهانی که چند میلیارد آدم در آن زندگی میکنند و همین لحظه که شما اینجا نشسته اید، صدها تانکر چند هزار تنی دارند در دریاها فقط سوخت گوشه هائی از آنرا جابجا میکنند. این جهان به این عظمت را که به طریق الکترونیکی چهار گوشه اش بهم وصل است، و سازمان کار میلیاردها انسان را تعیین کرده است، این جهان را ما میخواهیم از بنیاد دگرگون کنیم! اینطور راجع به خودمان میگوئیم وگرنه دور هم جمع نمیشدیم، آنوقت نگاه میکنید به این جنبش تغییر بنیادی جهان، از ایجاد کوچکترین تفاوتی در زندگی نسل معاصر خودش عاجز است..... آیا این جنبشی است برای تغییر جهان؟ راستش مدتهاست کسی حتی دیگر راجع به آن تغییر جهان هم حرف نمیزند. یک کمونیست، اینروزها معمولا آدم خوشقلب و دموکراتی است که میگوید بابا مردم را اذیت نکنید. به ضعفا زور نگوئید. آن انقلابیون پرشوری که میخواستند دنیا را از قاعده اش بر زمین بگذارند دیگر رفته اند. کمونیسم قرار بوده است جنبشی برای یک تعرض اساسی به جامعه موجود باشد. نقدی بنیادی و تعرضی عظیم به سرمایه داری. که قرار است برای همیشه بشریت را از شر آن خلاص کند. جنبش تعرضی یک طبقه نوین - این ظاهرا آن چیزی است که ما بخودمان میگوئیم - پس چرا این کمونیسم در موضع دفاعی است؟ چرا مدتهاست کمونیسم واقعا موجود دارد سعی میکند بدیهیهای خود را کاهش بدهد؟ به او میگویند دمکرات نیستی، دارد سعی میکند که نشان بدهد هست. به او میگویند وطن پرست نیستی، دارد سعی میکند نشان بدهد هست. به او میگویند تو میخواهی در جامعه نهاد مذهب را از بین ببری، دارد سعی میکند نشان بدهد چنین قصدی ندارد. به او میگویند انسان را دوست نداری، دارد سعی میکند نشان بدهد دوست دارد. این تعرض است یا کیسه بکس جهان سرمایه داری بودن؟ میگوید من آنتی تز جهان سرمایه داری هستم، میگوید سرمایه داری خود ذاتا مرا بازتولید میکند. این جنبش را بازتولید میکند. سرمایه هرجا میروند، معادل خودش من را بوجود میآورد. پس چرا درست در مقطعی که سرمایه داری همه منافذ این کره را پر کرده، و هیچوقت مناسبات تولید سرمایه داری اینقدر اشاعه یافته و گسترش یافته نبوده است، چرا این جنبش در بحران است؟ مگر قرار نبود این سرمایه داری عظیم، سوسیالیسمی به همان عظمت را در برابر خودش به میدان فرا بخواند! اینها تناقض است. این تناقضها جواب میخواهد. این جواب را از شما میخواهد. این جوابها را باید داشت. نمیشود صبر کرد. نمیشود سر را گذاشت

## معرفی مبانی کمونیسم کارگری...

را جزو این تاریخ میدانند. و این با تصویر کتابی و شعاری چپ سنتی از کمونیسم بسیار متفاوت است. ظاهراً اعتصاب معدنچیان تحت رهبری سندیکا و اسکارگیل سندیکالیست نباید سختی زیادی با کمونیسم داشته باشد. اما در نگرش اجتماعی کمونیسم کارگری و حکمت این تحرک کارگری جزوی از حیات کمونیسم کارگری است. حکمت اشاره میکند آن کارگر معدنچی در حال جمع آوری ذغال زمانی که در مقابل زور پلیس برمیگردد و میگوید "من پول این ذغالها را جد اندر جد با خون خودم و پدرم پرداخته ام و اینها مال من است" حرف مانیفست کمونیست را تکرار میکند و اعلام میکند که مالکیت بورژواها را قبول ندارد. کمونیسم کارگری قبل از هر چیز بیان شفاف و روشن اعتراض اجتماعی کارگر به سرمایه داری و به این ترتیب یک واقعیت اجتماعی است. اضافه بر این مشخصه پایه ای، منصور حکمت دیگر مشخصه های کمونیسم کارگری را بر میشمرد و مینویسد:

"کمونیسم کارگری بعلاوه بعلاوه یک سیستم فکری است. یک سیستم فکری جامع و فراگیر (که در این سطح هم به آن میپردازم، به مبانی تئوریک آن و به دیدگاههایش نسبت به آن موضوعاتی که یک سیستم فکری اجتماعی فراگیر باید به آن بپردازد.

کمونیسم کارگری همچنین یک انتقاد به سوسیالیسم عملاً موجود و یک بررسی تاریخی از سوسیالیسم معاصر است. بنابراین یک جنبش و حرکت تئوریک-انتقادی است.

کمونیسم کارگری همچنین مجموعه ای از یک سلسله ارزیابیهای مشخص از مسائل گرهی سوسیالیسم و مبارزه طبقاتی است.

کمونیسم کارگری رهنمودی است برای عمل، عمل سیاسی. همانطور که هر دیدگاه فکری اجتماعی و سیاسی رهنمودی برای یک سلسله عمل سیاسی است، کمونیسم کارگری همین میتواند در این ظرفیت تعریف شود.

کمونیسم کارگری بعلاوه یک جنبش حزبی است که به یک آینده حزبی متفاوت برای کمونیسم نظر دارد. کمونیسم کارگری کمپینی است برای ایجاد احزاب کمونیستی بر مبنای این دیدگاهها و برنامه ها و سیاستها و بالاخره کمونیسم کارگری یک فراخوان مشخص خطاب به حزب کمونیست ایران است. فراخوانی برای اتخاذ یک نگرش معین و اتخاذ روشهای فعالیت معین.

بهرحال وقتی من از کمونیسم کارگری حرف میزنم، مجموعه اینها مد نظر من است و نه یک دیدگاه نظری صرف و یا سلسله روشهای عملی که باید اتخاذ بشود و غیره، کمونیسم مجموعه ای از یک واقعیت اجتماعی، دیدگاه نظری و غیره است. همانطور که مقوله کمونیسم را، بدون پسوند کارگری، همینطور می فهمیم. کمونیسم همه اینها هست. کمونیسم کارگری هم همه این ابعادی که گفتم را دارد و من در ادامه بحثم توضیح خواهم داد که خیلی ساده مقوله کمونیسم کارگری را دارم بجای مقوله کمونیسم بکار میبرم. در بحث امروز به همه ابعادی که در تعریف کمونیسم کارگری شمردم میپردازم."

و در ادامه در توضیح اینکه چرا کمونیسم کارگری

بغل کسی و گفت انشالله پاسخ میدهد. یا در مسیر ظفرنمون مبارزه این مسائل حل میشود. این سئوالات شانتاژ کسی نیست. اینها تناقضهای جهان واقعی بیرون ماست در رابطه با کمونیسم واقعا موجود. اگر پاسخ نداریم، راستش حداقل باید این ظرفیت را داشته باشیم که اگر جوابی که کسی میدهد غلط است بلند شویم و بگوئیم که این جواب غلط است، مساله سر جای خودش مانده است. باید دنبال جوابش را بگردید.

و این من را به یک تناقض دیگر میرساند. آخرین تناقضی که به آن اشاره میکنم، و آن طیف کمونیستهای هستند که نه این سئوال را دارند و نه دنبال جوابش میگردند. کمونیسم یک حرفه شده است. یک روش زندگی شده است. یک سیستم کسب نیک نامی شده است. ارتش ذخیره روشنفکران است. جنبشی است که روشنفکران افراطی جامعه را در خودش نگاه میدارد، سازمان میدهد تا وقتی که نشان آنقدر بالا برود و درد معاش آنقدر معتدلشان کند که بتوانند در تولید یک جایی پیدا بکنند. بهر حال شروع مساله اینجاست. حرف من اینست که بحث کمونیسم کارگری پاسخ این تناقضات را دارد. یا سرنخ های مهمی به این پاسخ را دارد. بحث کمونیسم کارگری جواب این مسائل است. جواب مادی اش است، جواب نظری اش است، جواب تحلیلی اش است، جواب سیاسی اش است، جواب پراتیکی اش است. و به همین دلیل است که میگویم این بحث بنظر من از این جلسه بسیار فراتر می رود."

به این ترتیب طرح این سئوالات اساسی در واقع مدخلی است برای ورود به میث اصلی کمونیسم کارگری و پرداختن به تزه های محوری آن از جانب منصور حکمت. قبل از هر چیز اولین تر پایه ای اینست که:

کمونیسم کارگری چیست؟ منصور حکمت در پاسخ با تفصیل و در مناسبتهای مختلف توضیح داده که به نظرم چکیده آن چنین است. کمونیسم کارگری در درجه اول یک واقعیت اجتماعی است، درست همانند لیبرالیسم بورژوازی که یک واقعیت اجتماعی است و من اضافه میکنم همانطور که سندیکالیسم، یونیونیسم، ناسیونالیسم و کنسرواتیسم واقعیتهای اجتماعی هستند. کمونیسم کارگری انعکاس اعتراض کارگر به نظم سرمایه است. این واقعیت موجود اجتماعی قبل از مارکسیسم وجود داشته و اختراع مارکسیسم نیست. گرایشی با نام کمونیست در میان پرولتاریای کشورهای تازه صنعتی شده هم عصر مارکس و انگلس وجود داشت. اگر چه کمونیسمشان نتراشیده و نخراشیده بود، اما با آنچه که مارکس و انگلس در مانیفستی که نوشتند انطباق فراوانی داشت و به همین دلیل اسم "مانیفست کمونیست" را بر آن سند تاریخی نهادند. کمونیسم کارگری حکمت هم از این جنس است. مانیفست طبقه کارگر اواخر قرن بیستم و اکنون باید گفت اوایل قرن بیست و یکم است. قبل از هر چیز انعکاس یک واقعیت اجتماعی، عینی و جاری بیرون از احزاب و سازمانها و گاه در ارتباط با آنها است. پیشینه تاریخی دارد به قول حکمت انترناسیونال کارگری اول و انقلاب اکتبر از لحظات مهم این تاریخ است و حکمت اضافه میکند که اعتصاب یکساله معدنچیان انگلستان

## معرفی مبانی کمونیسیم کارگری...

را به جای کمونیسیم بکار میبرد و چنین میگوید.

دیگر و این را مقایسه کنید با تبیین کمونیستهای بورژوازی بنا به منفعت طبقاتیشان هر بار موضوع دیگری از جمله مسئله ملی، نژادی، فرهنگی، جنسی را به عنوان موتور محرکه تحولات و جامعه برجسته میکنند. در صورتی که پشت همه این کشمکشها مبارزه طبقاتی خوابیده است.

نقد کارگری و مارکسی به نظم سرمایه: تر اساسی دیگر اینست که نقد طبقه کارگر به نظم سرمایه چه نوع نقدی است؟ بگذارید اینجا هم مستقیماً به سمینار حکمت برگردیم. نقد مارکس به اقتصاد سیاسی سرمایه داری چیست؟ باز نگاه میکنیم و مقوله طبقه را محور این نقد میبینیم. اساس نقد مارکس به سرمایه داری، تئوری ارزش اضافه و انباشت سرمایه اوست. مارکس میگوید سرمایه ارزش خودگستر است. ارزش رشد یابنده است. اما چرا ارزش رشد پیدا میکند. انباشت چگونه صورت میگیرد. این ارزش "اضافه شده" از کجا میآید؟ در تجزیه و تحلیل این امر مارکس فوراً میرسد به خرید و فروش نیروی کار. میرسد به کالایی به نام نیروی کار، به وجود پدیده ای به اسم کارگر در جامعه سرمایه داری که نیروی کارش را میفروشد. بنابراین کارگر همراه نقد اقتصاد سیاسی مارکس وارد صحنه میشود. تئوری ارزش اضافه بدون وجود مقوله کارگر بی معناست.

حال این نوع نقد را مقایسه کنید با نقدهای شبه سوسیالیستی که شاخه های مختلف کمونیسیم بورژوازی به سرمایه داری دارند، یکی به "وابستگی" سرمایه نقد دارد، بخشی به "بحران" سرمایه، بعضی به "هرج و مرج و آنازشی" سرمایه و شاخه هایی به "زیاده روی و غیر اخلاقی بودن" سرمایه نقد دارند. از نظر همه اینها اساس سرمایه "ارزش اضافه و کار مزدی" مورد نقد نیست و غایب است. این یک تمایز بنیادی کمونیسیم پرولتری و کمونیسیم بورژوازی است.

دولت: یک حکم دیگر و در رابطه با پدیده ارزش اضافه و تصاحب آن مسئله دولت به عنوان ارکان و ابزار طبقاتی نتیجه گیری میشود. دولت آنجا ضروری است که بخواهند یک چیزی را از دست کس دیگری در بیاورند. دولت بورژوازی تضمین میکند ارزش اضافه و اضافه تولید در تصاحب سرمایه داران بماند و از طبقه کارگر گرفته شود. مارکس میگوید که دولت بورژوازی کمیته اجرایی سرمایه داران است. لذا برای طبقه کارگر هم اگر بخواهد ارزش اضافه را از تصاحب سرمایه خارج کند و اضافه تولید را از سرمایه بگیرد و به استثمار پایان دهد، دولت طبقه کارگر لازم خواهد بود. دیکتاتوری طبقه کارگر به عنوان مقدمات گذار به جامعه ای که در آن دولت و طبقات نیست، پرولتاریا و بورژوازی نیست و رسیدن به جامعه آزاد و برابر کمونیسیتی ضرورت پیدا میکند و این یکی از مشخصه های کمونیسیم کارگری و سوسیالیسم مارکسی است.

انقلاب کارگری: یک تز پایه ای دیگر برای رسیدن به دولت کارگری، انقلاب کارگری لازم است و این چیزی نیست جز نابودی مالکیت بورژوازی و لغو کار مزدی. بنابر این انقلابی که مارکس از آن حرف میزند، یک انقلاب سیاسی ساده نیست، بلکه انقلابی است که به زیر بنای اقتصادی جامعه دست میبرد و مالکیت خصوصی بر تولید و همراه آن نفس بورژوا بودن و پرولتاریا بودن را بر می اندازد. هیچ جا مارکس از این تخفیف نداده است. هیچ جا وظیفه ای کمتر از این برای انقلاب کمونیسیتی تعریف نکرده است. حال این را مقایسه کنید با انواع انقلاباتی که در چین، کوبا، آلبانی، نیکاراگوئه و ... که تحت نام سوسیالیسم و کمونیسیم راه افتاد. این را مقایسه کنید

کمونیستهای در آن زمان کارگران بودند. اکنون صد و سی و چند سال از مانیفست کمونیسیت گذشته است و کمونیسیم عملاً موجود دیگر مشخصه کارگران نیست بلکه حالت همان سوسیالیسمی را پیدا کرده که مارکس زمان خودش از آن حرف میزد، متعلق به بورژواهاست. بنابراین ما کلمه کارگری را به آن اضافه میکنیم و میگوئیم "کمونیسیم کارگری" برای اینکه ما را برگرداند درست بر سر این موقعیت اجتماعی که انگلس از آن سخن میگفت. به این ترتیب اگر بخواهم مانیفست کمونیسیت را دوباره چاپ کنم، نامش را میگذارم مانیفست کمونیسیت کارگری. منتهی بعداً توضیح میدهم که این مانیفست صد و سی سال قبل کمونیسیم کارگری است و کمونیسیم کارگری امروز به یک تبیین جدیدی از جهان امروز احتیاج دارد. و باید برای جهان امروز خط مشی تعیین کند

منصور حکمت به این تعهد اعلام شده بالا عمل کرد و یک تنه و چه درخشان با نوشتن برنامه یک دنیای بهتر، خط مشی کمونیسیتی در قبال جهان امروز را مدون کرد. برنامه دنیای بهتر به اعتقاد من مانیفست کمونیسیت کارگری بعد از صد و شصت سال از انتشار مانیفست کمونیسیت مارکس و انگلس است. از همان جنس و با تبیین مولفه های اساسی مبارزه طبقاتی جهان معاصر است.

پراتیک: تز پایه ای دیگر کمونیسیم کارگری، جایگاه پراتیک و نقش نیروی فعاله انسان برای تغییر است. شناخت درست پراتیک طبقاتی برای پیشبرد انقلاب کمونیسیتی بسیار ضروری است. وقتی از پراتیک صحبت میشود در تصویر اولیه، عمل ساده انسانها به ذهن متبادر میشود. در کمونیسیم مارکس و کمونیسیم کارگری حکمت پراتیک پدیده ای اجتماعی طبقاتی انسان برای تغییر و به این ترتیب پدیده ای همه جانبه تر است. عبارات، پراتیک، اجتماعی، طبقاتی، انسان، تغییر، که خیلی وقتها و همین جا در جمله ای در کنار هم ترکیب میشوند، هر کدام لایه های مختلفی از روند اجتماعی مربوط به هم و سطوح مختلفی از تحلیل سیاسی را شکل میدهند که مارکس آن را به روشنی تبیین کرده و حکمت خلاقانه به آن بازگشته است. در همین سمینار این سطوح توضیح داده شده و من فرصت ندارم به توضیح مجدد آنها بپردازم، به عنوان نتیجه ای مختصر میتوانم بگویم: مارکسیسم در توضیح پراتیک و جامعه به مسئله شناخت طبقه به عنوان بخش لایتجزای پروسه تولیدی جامعه در هر مقطع میرسد و لذا جایگاه پراتیک طبقه در قبول نکردن شرایط و مناسبات تولیدی موجود تشخیص داده میشود. جامعه طبقاتی کلید شناخت قانونمندی جامعه است. واقعیت طبقه و طبقاتی بودن جامعه مقدم بر ادراک مارکسیسم است. طبقه و لاجرم پراتیک طبقه جایگاه کلیدی دارد. منصور حکمت مینویسد "در تلقی مارکس از انسان طبقه وارد میشود، در تلقی مارکس از پراتیک طبقه وارد میشود، در تلقی مارکس از ماتریالیسم طبقه وارد میشود" در نتیجه پراتیک آگاهانه طبقه معین به تغییر منجر میشود و بدون آن تغییری ایجاد نمیشود. بدون چنین پراتیکی تغییر نظم موجود و سوسیالیسم و کمونیسیم اتفاق نمی افتد و بر خلاف تز جافتاده و پاسیو "اجتناب ناپذیری کمونیسیم" در میان کمونیسیمهای غیر پراتیک و غیر کارگری، سوسیالیسم و کمونیسیم خودبخودی نمی آید. در این دیدگاه پراتیک طبقاتی و مبارزه طبقاتی موتور محرکه تاریخ است و نه هیچ چیز



حکمت، هنوز هم در مقابل کمونیستها و کمونیسم کارگری از جنس حکمت قرار دارد. ضرورت پاسخگویی با همان شدت در مقابل ما است. به همین دلیل این میحث را انتخاب کردم که به معرفی آن پردازم، و به سهم خود این توجه را جلب کنم که به این مباحث برگردیم و درصدد پاسخگویی همان سئوالهای تعیین کننده پیش رو باشیم.

\*\*\*

نوشته "معرفی مبانی کمونیسم کارگری منصور حکمت" متن کتبی سخنرانی رحمان حسین زاده در مناسبت گرامیداشت منصور حکمت به تاریخ ژوئن سال ۲۰۱۰ شهر گوتنبرگ سوئد است که همان وقت منتشر شده است. اکنون و در مناسبت روز حکمت مجدداً منتشر میشود.

\*\*\*

## معرفی مبانی کمونیسم کارگری...

با "انقلاب انقلابی" که در یکساله اخیر و در بطن جنبش سبز توسط بعضی از "کمونیستها" باد زده میشود.

با توجه به اشاره رئیس جلسه مثل اینکه فرصتم رو به پایان است. تزیهای دیگری در همین سمینار توسط منصور حکمت مطرح شده است، دیگر فرصت نیست به معرفی آنها پردازم. من فقط تیتراهای آن را یادآوری میکنم که عبارتند از: نقد کمونیسم کارگری از سوسیالیسم واقعا موجود، مبارزه طبقاتی، پرولتاریا، کمونیسم و اصلاحات، کمونیسم: دمرکاسی و اومانیسیم، دیکتاتوری پرولتاریا، رابطه حزب و طبقه، وضعیت کنونی جنبش سوسیالیستی و موقعیت کمونیسم کارگری، اینها هم جزو مشخصه های کمونیسم کارگری است، امیدوارم به آنها رجوع کنید.

در خاتمه: سالها بعد از سمینار اول کمونیسم کارگری در مارس ۱۹۸۹ و بعد از سمینارهای دوم و سوم کمونیسم کارگری در سال ۲۰۰۰ فکر میکنم همه آن سئوالات و مشاهدات مورد نظر منصور

## بدرود رفیق مظفر صالح نیا عزیز!

### پیام تسلیت به بستگان، مردم مبارز سنندج، فعالین کارگری، اجتماعی و سیاسی کردستان و ایران!



با نهایت تأسف صبح روز ۱۲ خرداد، قلب مهربان و پر از امید به رهایی کارگران و تحقق آزادی و برابری در نتیجه ایست قلبی رفیق مظفر صالح نیا از تبش باز ایستاد.

مظفر صالح نیا، تلاشگر برای متحد کردن کارگران، دخیل در سازماندهی روز جهانی کارگر، روز جهانی زن، فعال علی‌ه حکم و اجرای اعدام، فعال در جنبشهای اجتماعی پیشرو برای تحقق حقوق آزادی و برابری، چهره مقاوم ده ها بار دستگیر شده، شکنجه شده و هر بار که از زندان و بازجویی بر میگشت مقاومت از گذشته از منافع طبقاتی کارگران و تهی دستان جامعه ایران و کردستان دفاع میکرد. وقتی در مدت زمان کوتاهی خبر ایست قلبیش بخش شد بخش زیادی از مردم سنندج و شهرهای کردستان و سراسر ایران در همانروز خود را به آرامستان سنندج رساندن و با سرود "انترناسیونال" سرود هبستگی جهانی کارگران او را بدرقه کردند.

رفیق مظفر صالح نیا، یکی از چهره های اجتماعی، مبارزی آرمانگرا، برابری طلب، محبوب، پیگیر، دلسوز و مقاوم سرسخت شهر سنندج، تمام کردستان و سراسر ایران بود. مرگ نابهنگام او ضایع ای جبران ناپذیر نه تنها برای خانواده، بستگانش است، بلکه طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی یکی از همسنگران قابل اعتماد و قابل اتکایش را از دست داد است.

ما در جامعه و کارگران صمیمان به همسرش گلنار قدمخانی فرزندان الهام و سینا عزیز و به هم بستگان و به فعالین جنبش کارگری و به مردم سنندج تسلیت میگوئیم.

یاد رفیق مظفر صالح نیا عزیز را با تلاش جمعی برای تحقق آرزو و آرمانهای برابری طلبان اش زنده و گرامی بداریم.

تهیه کنندگان برنامه جامعه و کارگران

۱۸ خرداد ۱۴۰۳



## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

اطلاعی‌های اعلام کرده‌اند: "ما مردم رمشک اعلام می‌داریم که در اثر ناعدالتی و بی‌کفایتی مسئولان امر شهرستان قلعه‌گنج و حمایت‌های نابجا از معدن مس رمشک و پایمال کردن حق آبا و اجدادی زمین‌های کشاورزی‌مان که معدن مس بر روی آن قرار داد، ... شبیه مورخ ۱۲ خردادماه قصد تجمع و پیگیری در سطح مرکز استان داریم تا شاید صدایمان به جایی برسد". مردم خواستار تعطیلی این معدن و بازپس‌گیری زمین‌هایشان هستند. استخراج از این معدن و تصرف غیرقانونی زمین‌های مردم این منطقه، علاوه بر تخریب محیط زیست، امکان کار مردم بر روی زمین‌هایشان را از آنان سلب کرده و باعث بیکارتر و فقیرتر شدن مردم این منطقه شده است.

#### قطعی یک ماهه آب شهری در مناطقی از زاهدان

قطعی آب شهری در خیابان جانبازان و منطقه کریم پور زاهدان به مدت یک ماه موجبات نارضایتی شهروندان را فراهم کرده است. بر اساس این گزارش، یک ماه است که خیابان جانبازان و کریم پور با مشکل بی‌آبی مواجه هستند و در گرمای زاهدان شهروندان به خصوص کودکان و افراد مسن با اوضاع سخت و طاقت‌فرسایی رو به رو هستند. در حالی که یکی از وظایف اصلی دولت‌ها تهیه آب آشامیدنی برای شهروندان است، در سایه بی‌کفایتی مسئولین در استان شهروندان با مشکل بی‌آبی مواجه هستند و اهالی این منطقه فقط آخر شب یک الی دو ساعت آب دارند و در تمام روز شهروندان از بی‌آبی رنج می‌برند.

#### افزایش مشکلات مردم با تعطیلی نانوايي‌ها در جکیگور

روز چهارشنبه ۱۶ خرداد ماه ۱۴۰۳، در روستای بزرگ جکیگور فقط یک نانوايي فعال است که فقط صبح‌ها از حوالی ساعت شش تا یازده قبل از ظهر نان پخت می‌کند و جوابگوی نیازمندی‌های اهالی این منطقه و شهروندان جکیگور از توابع شهرستان راسک نیست. گفته می‌شود که چند نانوايي دیگر نیز در این روستا وجود دارد ولی عدم توجه مسئولان خصوصاً سازمان غله باعث شده تا پخت انجام ندهند و آرد را در بازار آزاد با قیمت گزاف بفروشند و هیچگونه خدماتی به مردم ارائه نمی‌کنند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی

روز یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۳، جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران، شوش و اهواز مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد

روز یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۳ بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان و خوزستان در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد این شهر دست به تجمع زدند.

#### تجمع اعتراضی مشترک بازنشستگان کرمانشاه

**تجمع اعتراضی کارگران شرکت نفت فلات قاره**  
روز شنبه ۱۲ خردادماه کارگران شرکت نفت فلات قاره در اعتراض به مدیریت فاسد و ناکارآمد، تعیین سقف حقوق، میزان کف حقوق، پرداخت نشدن حق سنوات بازنشستگی، دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت، اجرا نشدن ماده ۱۰ قانون اختیارات وزارت نفت و پایمال شدن حقوق خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

#### تجمع اعتراضی کارگران حفاری صنعت نفت

یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۳ کارکنان دستگاه حفاری "۹۱ فتح"، در اعتراض به کمی دریافتی، اجرا نشدن طبقه بندی شغلی و دیگر نابسامانی‌های شغلی خود دست به اعتراض زدند.

#### تجمع اعتراضی پاکبان‌های استان هرمزگان

یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۳ پاکبان‌های استان هرمزگان در مقابل شهرداری بندرعباس در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا دست به تجمع زدند.

#### اعتصاب رانندگان شرکت مخابرات ایران

رانندگان استیجاری و بخش خصوصی شرکت مخابرات ایران در سراسر کشور بخاطر عدم واریز حقوق و بیمه توسط شرکت تازه تاسیس اصفهانی‌ها که تمامی بخش خصوصی شرکت را در اختیار این شرکت قرار داده‌اند و توانایی پرداخت و پاسخگویی را نداشته است، دست به اعتصاب زدند.

#### اعتصاب و تجمع رانندگان شرکت انتقال گاز

۱۵ خرداد رانندگان خودروهای استیجاری شرکت انتقال گاز ایران، واحد حمل و نقل منطقه یک عملیات انتقال گاز "میان‌کوه" در منطقه امیدیه استان خوزستان، در اعتراض به دریافتی کم و پایمال شدن حقوق خود دست از کار کشیده و اعتصاب نمودند.

#### تجمع اعتراضی کشاورزان خوزستان

چهارشنبه ۱۶ خرداد کشاورزان خوزستان در مقابل استانداری در اعتراض به تأخیر پرداخت پول گندم اعتراض کردند. با توجه به ماده مصوبه، پول باید بعد از تحویل محصول بمدت ۴۸ ساعت پرداخت گردد. کشاورزان می‌گویند: دیگر تسلیم فریب وعده‌های دروغین نمی‌شویم. حکومت گندم ما را غارت کرد و پول ما را تحویل نمی‌دهند! به دلیل عدم تخصیص بودجه از سوی سازمان برنامه و بودجه، دولت از پرداخت هزینه کشاورزان عاجز مانده است.

#### ۵۰ روز مقاومت و تجمع مردم بلوچستان در معدن مس رمشک

امروز پنجشنبه ۱۰ خرداد، قریب به ۵۰ روز از اعتراض مردم رمشک به مصادره آشکار زمین‌های کشاورزی و نخیلات خود توسط دست‌های سرمایه و معدن رمشک تجمع و تحصن کرده و در

به ریاست مقیسه به "علت عضویت در گروه‌های تلگرامی به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه رژیم و نیز توهین به سران حکومت" به هشت سال حبس محکوم شد. این زندانی سیاسی پس از سال‌ها زندگی مخفیانه سرانجام در روز دوم اسفند ۱۴۰۲ به دست نیروهای امنیتی در محل سکونتش با ضرب و شتم بازداشت و روانه زندان اوین شد.

**محرومیت پدر رضا لطفی از حقوق ابتدایی در زندان کامیاران**  
کمال لطفی پدر رضا لطفی که اخیراً به پنج سال حبس نیز محکوم شده، در زندان کامیاران از حقوق ابتدایی خود شامل حق تماس، ملاقات و دسترسی به وکیل محروم شده است. همچنین، تاکنون از آزادی موقت این پدر دادخواه که نزدیک به دو ماه اخیر را در بازداشت و بلا تکلیفی سپری کرده، با کارشکنی گماشتگان اطلاعاتی، ممانعت شده است. کمال لطفی، در هفته پایانی اردیبهشت ماه سال جاری، پس از نزدیک به یک ماه بی‌خبری کامل، در نهایت به زندان مرکزی کامیاران منتقل شد. این پدر دادخواه روز سه‌شنبه ۲۱ فروردین ماه سال جاری، پس از احضار و مراجعه به بیدادگاه انقلاب شهرستان قروه برای بار دوم بازداشت شد. کمال لطفی، پیشتر توسط شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دهگلان در مجموع به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد که دو سال از آن، قابل اجرا است.

\*\*\*



**منصور حکمت را بخوانید**

**و به دیگران معرفی کنید!**

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

روز یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۳، جمع‌هایی از بازنشستگان تأمین اجتماعی، مخابرات، کشوری و علوم پزشکی کرمانشاه در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

**کشته شدن یک کولبر دیگر توسط نیروهای نظامی**  
شامگاه سه‌شنبه پانزدهم خردادماه ۱۴۰۳، نیروهای هنگ مرزی در نوار مرزی نوسود با تیراندازی مستقیم به سوی گروهی از کولبران، یک کولبر را کشتند. کولبر کشته شده هژیر محمودپور اهل شهر جوانرود است.

**بلا تکلیفی یک معلم در زندان شیبان اهواز**  
"امان جلالی‌نژاد"، معلم زندانی بعد از چند روز حبس در قرنطینه به بند امنیتی زندان شیبان اهواز منتقل شده است. علیرغم ثبت قرارداد وکالت، بعد از گذشت بیش از ۵۰ روز از زمان بازداشت و باتوجه به عدم ارسال پرونده به دادگاه همچنان دسترسی به پرونده ممکن نیست. آقای جلالی‌نژاد کماکان تا زمان تشکیل دادگاه و تبدیل قرار در بلا تکلیفی به‌سر می‌برد.

**۲۵۰ فعال مدنی و حقوق زنان: حکم ۲۱ سال حبس ژینا مدرس گرگی، در امتداد سرکوب و فعالان خستگی‌ناپذیر است**

۲۵۰ فعال مدنی و حقوق زنان در بیانیه‌ای با اشاره به حکم ۲۱ سال حبس ژینا مدرس گرگی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان اعلام کردند: "حکم ژینا در امتداد سرکوب و مقابله با فعالان خستگی‌ناپذیر کردستان است که تاریخچه مبارزه و مقاومت‌شان روشنگر و مقوم مسیر دادخواهی و برابری خواهی بوده است."

**اعتصاب غذای تر لیان درویش، از بازداشت‌شدگان دی‌ماه ۹۶ در اوین**  
لیان درویش، زندانی سیاسی محبوس در بند زنان زندان اوین که دوران محکومیت خود را سپری می‌کند، از هشتم خرداد ۱۴۰۳ به دلیل اذیت و آزار و فشارهای وارده از سوی مسئولان زندان و همچنین عدم دسترسی به خدمات پزشکی دست به اعتصاب غذای تر زده است. او دانش‌آموخته زبان‌شناسی، متولد ۱۳۵۷، مجرد و اهل و ساکن تهران است. این زندانی سیاسی در دی‌ماه سال ۹۶ با هجوم نیروهای امنیتی به منزل شخصی خود بازداشت و پس از مدتی آزاد شده بود. اما بلافاصله بعد از آزادی، با انتشار ویدیو در مورد نحوه بازداشت و شکنجه و آزار و اذیت مأموران امنیتی اطلاعات سپاه در طول دوران بازجویی افشاگری کرده بود. در نتیجه‌ی این اقدام شجاعانه دوباره در اسفند همان سال بازداشت شده و تا آبان سال ۹۷ در بند ۲۰۹ زندان اوین، در سلول انفرادی محبوس بوده است. در نهایت به دلیل بیماری و وخامت اوضاع جسمانی به بیمارستان منتقل شده، اما پس از پایان مرخصی استعلاجی، به زندان بازگشته و موفق شده بود در طول چند سال گذشته مخفیانه زندگی کند. لیان درویش در سال ۱۳۹۸ به طور غیابی در دادگاه انقلاب اسلامی تهران

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**



## آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر اجرایی

همایون گدازرگ

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

[saeed\\_arman2002@yahoo.co.uk](mailto:saeed_arman2002@yahoo.co.uk)

## راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و  
تماس با حزب حکمتیست از طریق  
واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم  
با این شمارهها تماس بگیرید.



صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲  
پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰  
رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹  
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

[www.hekmatist.org](http://www.hekmatist.org)

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

**PARLOW TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

**برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>**

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان  
<https://alternative-shorai.tv> معرفی کنید. آدرس خط زنده:

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، ملکه عزتی، پروین کابلی، همایون  
گدازرگ، ناصر مرادی**اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:**

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند  
که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا  
ظهر روز پنجشنبه است.

نشریه  
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatist

Hekmatist.org

@hekmatist1917

@hekmatist pary

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات  
اجتماعی

## زنده باد سوسیالیسم!